

جواهرات با ارزش معنوی



محمد تقی صرفی پور



مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على محمد و آل محمد اجمعين.

علم و آگاهی انقدر با ارزش هستند که رسول خدا فرمود یکساعت در مجلس علم از تشییع جنازه هزار شهید بالاتر است. از هزار شب که شبی هزار رکعت نماز خوانده شود مهم تر است. زیرا هر چقدر آگاهی انسان بیشتر می شود راهش بسوی کمال هموارتر می گردد و از انحرافات دورتر میشود.

کلمات و جملات هدایت کننده انسان، بسیار گرانبه‌تر هستند از زمرد و الماس و طلا با ارزش ترند. در این کتاب از این گوه‌های بی نظیر آورده شده امید است مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد.

بهار 1400 - کرمانشاه

1- اکثر مردم خالق خود را فراموش نموده اند و فقط پدر و مادر را خالق خود می دانند! برای همین احساس می کنند گم گشته ای دارند. و تشنه چیزی هستند ولی نمی دانند ان کیست و چیست؟ برای سیراب شدن گاهی سراغ ثروت می روند تا شاید گم گشته خود را پیدا نمایند ولی هرچه ثروت بیشتری بدست می آورند بر تشنگی آنها افزوده می شود! او بجایی نمی رسند! گاه سراغ شهوات جنسی می روند ولی سیراب نمی شوند! پاه سراغ شراب و مواد مخدر می روند ولی ره بجایی نمی برند! هرگز نرسی به کعبه ای اعرابی! این ره که تو می روی به ترکستان است!

تنها چیزی که انسان را از گم گشتگی نجات می دهد و او را از اشفتهگی ها رها می رسازد، وصل شدن به خالق و صاحب اصلی خود یعنی خداوند مهربان است.

این رباعی از خواجه عبدالله انصاری است:

((آنکس که تورا شناخت جان را چه کند * فرزند و عیال و خانمان را چه کند *

.دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی * دیوانهء تو هر دو جهان را چه کند))

2- حضرت مهدی ال محمد که حجت خدا در زمین و آسمان است به یکی از علما فرمود هرگاه حاجتی داشتی بعد نماز واجب سه بار بگو:

یا محمد. یا علی. یا فاطمه. یا علی. یا حسن. یا حسین. یا مهدی ادرکنی و لا تهلکنی.

که در انتهای دعا، از امام زمان علیه السلام می خواهیم مارا رها نکند و کمکمان نماید.

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا بُود که گوشه چشمی به ما کنند

3-

شب مردان خدا روز جهان افروزست
روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست

:گنج سعادت را از برکت بیداری و دعای سحرگاهی می توان به دست آورد

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

.همه پیامبران و امامان و اولیاء خدا و علمای ربانی ،سحر خیز بودند

بعضی همه شب را بیدار بودند بعضی دوساعت مانده به اذان صبح و طلوع فجر صادق. بعضی بیشتر و
بعضی کمتر...

4- از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده در تفسیر آیه مبارکه :

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ؛ و بیشتر آنها که مدعی ایمان به خدا هستند، مشرک اند^۱

منظور از شرک بخدا چنین است که یکی می گوید اگر فلانی نمی بود از بین رفته بودم یا اگر فلانی نمی بود من به این مال نمی رسیدم . و یا اینکه می گوید فلان کس بما توجه نمی کرد خانواده ام از بین رفته بودند. نمی

بینی چگونه شریک برای خدا بواسطه همین سخن قرار می دهد از نظر روزی دادن و جلوگیری از پیش آمد. عرض کردم پس در چنین مواردی چگونه بگوید : بگوید اگر خداوند بر من منت نمی گذارد بواسطه فلان کی از بین می رفتم صحیح است حضرت فرمود: آری اگر اینطور بگوید زیانی ندارد.^۲

۱. سوره یوسف، آیه ۱۰۶

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ۴۰۳، ج ۹، ص ۲۱۰۶

بارها از مردم شنیده‌اید که می‌گویند: اول خدا بعدا شما! این چنین تعبیری نه تنها شرک خفی و نهان است بلکه شرک جلی و آشکاری است که می‌بایست از آن پرهیز کرد؛ زیرا همه چیز از آن خداست و خداوند مالک مطلق است. بنابراین همواره اول و آخر خداست

5- حضرت موسی از حضرت خضر سوال می‌کند که چه کرده‌ای که مامور شده‌ام از تو تعلم کنم؟

به چه چیز به این مرتبه رسیدی؟ فرمود: بترک المعصیه، (با ترک گناه) پس این را باید انسان، بزرگ ✨. بداند و نتیجه آن هم بزرگ است

تذکره المتقین ص 53

به روح الله گفت

این تقوا که می‌گن دقیقا یعنی چی؟

گفت:

چیزی که من از تقوا میدونم یعنی: [ایمان مستمر، عمل مکرر]

. آدم با یه شب دو شب به جایی نمیرسه

. باید ایمانت دائم باشه و عملت مداوم

اینکه یه شب بری هیئت و کلی گریه کنی،

..بعدش انتظار داشته باشی نفس مسیحایی پیدا کنی، اینجوری نیست

...دوروز بعد میبینی تو منجلا ب دنیا گرفتار شدی

شهید_روح_الله_قربانی#

6- گریه

ادم مومن باید اهل بکا و گریه باشد. چه در نماز چه در ذکر و چه در دعا و چه در سکوت.

خداوند و توصیه به پیامبران به گریستن به حال خود

:یکی از توصیه های خداوند به پیامبران، گریستن آنان به حال خویش بوده است

از وحی های خداوند به موسی علیه السلام: «تا در دنیا هستی، به حال خود گریه کن و از هلاکت و مهلکه ها بترس و مبادا زرق و برق زندگی دنیا تو را بفریبد». (ری شهری، 1377: 539)

از وحی های خداوند به عیسی علیه السلام: «به حال خود گریه کن؛ همچون گریه کسی که با خانواده بدرود گفته و با نفرت از دنیا دوری جسته و آن را برای دنیا پرستان رها کرده و به آنچه نزد پروردگارش است، دل بسته». (همان)

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که فرمودند: هیچ چیز نیست مگر برای آن معادلی است مگر خداوند که معادلی ندارد و لا اله الا الله معادلی ندارد و قطره اشک از ترس خدا که میزانی ندارد و اگر جریان پیدا کند به روی انسان، هیچگاه آن رو را غبار و ذلت نخواهد گرفت (ثواب الاعمال ص 17 ح 6)

امیرمومنان اشک ریزی معرفتی مومنان را از مصادیق و نشانه های مهم بندگی و عبودیت مومنان دانسته می فرماید: العبودیه خمسه اشیاء: خلاء البطن، و قراءه القرآن، و قیام اللیل، والتضرع عند الصبح، والبكاء من خشیه الله؛ بندگی، پنج چیز است: تهی داشتن شکم، خواندن قرآن، شب زنده داری، دعا و زاری در صبحگاهان و گریستن از ترس خدا (جامع الاخبار: ص 505 ح 1397)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هیچ قطره ای نزد خدای عزوجل، محبوب تر از قطره اشکی در ظلمت شب نیست که از خوف خدا و فقط به نیت او باشد». (مجلسی، 1362: 77 و 78)

امام باقر (ع) می فرماید: هیچ چشمی از ترس خداوند عزوجل در آب خود، غرقه نشد، مگر آنکه خداوند، بدنش را بر آتش حرام گردانید و هیچ اشکی بر رخسار صاحبش روان نشد که در روز قیامت، غبار و خواری بر آن بنشیند و هیچ کار نیکی نیست، مگر اینکه برایش وزنی یا مزدی است، بجز اشکی که از ترس خدا بریزد؛ زیرا خداوند در روز قیامت با هر قطره آن، دریاهایی از آتش را خاموش می گرداند. یک نفر در میان یک امت، از ترس خدا گریه می کند و خداوند به سبب گریه آن مومن بر آن امت رحم می آورد (الکافی: ج 2 ص 482 ح 2؛ بحارالانوار: ج 93 ص 235 ح 235)

(29)

امام رضا به واسطه پدر بزرگوارش از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود

گاهی فاصله بین انسان و بهشت به سبب زیادی گناهانش مانند فاصله بین زمین و عرش می باشد . پس او به جهت پشیمانی از آن، از ترس خداوند عز و جل گریه می کند تا اینکه فاصله بین او و عرش نزدیکتر از پلک چشم به چشمش می شود (عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 3، روایت 4)

امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه عرض می کند

چرا گریه نکنم و حال آنکه نمی دانم باز گشتم به کجاست و می بینم نفسم را که به من خدعه می کند و روزگار بر من نیرنگ می کند و حال آنکه بالهای مرگ بر سرم سایه گسترانده است . پس چرا گریه نکنم ؟ می گریم برای بیرون رفتن جانم . می گریم برای ظلمت قبرم . می گریم بر تنگی لحدم . می گریم برای سؤال نکیر و منکر از من . می گریم بر خارج شدنم از قبر عریان و خوار در حال سنگینی (اعمال) را بر دوشم می کشم . گاهی به طرف راست نگاه می کنم و گاهی به طرف چپم . می بینم که مردم در کار دیگری غیر کار من هستند

1- افرادی که هم ایمان دارند و هم عمل صالح مانند نماز و دیگر واجبات و کارهای خیر انجام می دهند . اینها بهترین انسان ها هستند .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ⁽¹⁾

آنهائی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند بهترین موجودات روی زمین هستند. پاداششان در نزد خداوند سبحان ، بهشتهای عدنی است که از زیرشان نهرها جاری است و در آنجا ابدی هستند و خداوند سبحان از آنها راضی و آنها هم از خداوند سبحان راضیند و این پاداش کسی است که خدا ترس باشد.

و در جای دیگر می فرماید:

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا⁽²⁾

او و ملائکه اش هستند که بر شما مؤمنین رحمت می فرستد تا شما را از تاریکی ها به

1 . بینه 8

2 . احزاب 43

(8)

نور رهنمون سازد . و خداوند سبحان نسبت به مؤمنین مهربان است.

2- افرادی که نه ایمان دارند و نه کارهای خوب می کنند . اینها ابدی در آتش هستند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ⁽¹⁾

کفار چه اهل کتاب و چه مشرکین در جهنم ابدی هستند و آنها بدترین موجودات روی کره زمین می باشند.

3- افرادی که ایمان دارند ولی عمل صالح ندارند، اینها مدتی عذاب می شوند و در نهایت بهشتی هستند .

4- افرادی که ایمان ندارند ولی کارهای خوب انجام میدهند مانند افراد خیر و نیکوکاری که اعتقادی به خداوند سبحان ندارند . خداوند سبحان به آنها پاداش دنیوی مانند سلامتی، ثروت یا شهرت و امثال اینها می دهد ولی بعد از مردن اهل جهنم می شوند زیرا بهشت بر کفار حرام است .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ما احسن محسن من مسلم ولا کافر الا اصابه الله . قيل ما اصابه الکافر؟ قال: ان کان قد وصل رحما او تصدق بصدقة او عمل حسنة اصابه الله تعالى المال والولد والصحة واشباه ذلك قيل وما اصابته فی الاخرة؟ قال عذاب دون العذاب و قرء: ادخلوا آل فرعون اشدّ العذاب .

پیامبر خدا(ص) فرمود: هر شخصی چه مسلمان و چه کافر کار خوبی بکند خداوند سبحان به او پاداش می دهد که پاداش کافر در دنیا سلامتی، ثروت و فرزند و امثال آن است و پاداشش در آخرت عذابش کمتر از دیگران می باشد سپس این آیه را تلاوت فرمود که در قیامت دستور داده می شود آل فرعون را وارد شدیدترین عذاب کنید!⁽²⁾

شخصی از عرفاء گفت که روزی پنکه ای برایم آوردند (در عالم غیب) دیدم که در دوزخ پنکه ای جلو مخترع آن گذاشتند .⁽³⁾

2. میزان الحکمه، ج 10/ 352

3. کیمیای محبت (در حالات رجبعلی خیاط)

-8

اولین نعمتی که خدا به ما داده چیه؟

روزی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمودند چون خداوند سبحان در آیه شریفه:

وَذَكَّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ⁽²⁾

یعنی ایام الله را به مردم متذکر شو که در این ایام، نشانه هایی برای افراد بسیار صبور و شکور است.

1. فصلت 53

2. ابراهیم 5

دستور داده تا نعمتهایش را بیاد مردم بیاورم پس شما بگوئید که اولین نعمتی که خداوند سبحان امر به تذکر به آن داده چیست؟

یکی گفت زن و بچه! دیگری گفت سلامتی! سومی گفت مال و منال!

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به علی (ع) فرمود: ابوالحسن تو بگو. علی (ع) فرمود: من چگونه در حضور شما مطلبی بگویم در حالی که خداوند سبحان ما را بوسیله شما هدایت کرد و جمیع علوم و کمالات را بوسیله شما برایمان فرستاد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود باید بگوئی اولین نعمت کدام است؟ علی (ع) گفت: اولین نعمت، نعمت وجود است که من هیچ نبودم ولی خداوند سبحان مرا از عدم بوجود آورد. پیامبر اعظم فرمود راست گفتی. دومی کدام است؟ فرمود: به من حیات و زندگانی بخشید و مرا مانند جمادات و نباتات نگردانید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. سومی کدام است؟ گفت: مرا به بهترین صورتهای که صورت انسان است خلق کرد و بصورت حیوان نیافرید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. چهارمی کدام است؟ گفت: آنکه برایم حواس ظاهری و باطنی قرار داد. پیامبر اعظم فرمود راست گفتی. پنجمی کدام است؟ گفت آنکه قدرت عقل و مشاعر روحانی بمن داده و مرا بر حیوانات برتری بخشید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. ششمی کدام است؟ گفت اینکه مرا به دین حق هدایت کرد و از گمراهان نگردانید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ⁽¹⁾

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. هفتمی کدام است؟ گفت آنکه در آخرت «بهشت» زندگی خوبی را برایم قرار داد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی. هشتمی کدام است؟ گفت مرا آزاد آفرید و غلام کسی قرار نداد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود راست گفتی.

نهمی کدام است؟ گفت آسمان و زمین و آنچه از مخلوقات در آنهاست را در تسخیر من قرار داد ...
(2)

1. اعراف 43

2. عین الحیوة-امالی طوسی 491

امام عصر «عج» در دعائی که در مفاتیح منسوب به ایشان ذکر شده می‌فرمایند:

(اللهم عرفنی نفسک فانک ان تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک . اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک . اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی).

خدایا! خودت را بمن بشناسان که اگر تو را نشناسم، پیامبرت را هم نشناسم .

خدایا! پیامبرت را بمن معرفی کن . که اگر پیامبرت را نشناسم، حجتت را نخواهم شناخت . خدایا! حجتت را بمن معرفی کن . که اگر حجتت را نشناسم راه را گم می‌کنم .

10- کت استیونس که مسلمان شده می گوید با یک آیه زیر، اضطرابم از بین رفت و وحشت هایم تبدیل به آرامش شد:

«وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»⁽¹⁾.

همه پادشاهی آسمان و زمین برای خداوند است که بر هر چیزی قادر می باشد.⁽²⁾

«وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»⁽¹⁾.

همه پادشاهی آسمان و زمین برای خداوند است که بر هر چیزی قادر می باشد.⁽²⁾

11- ذکر یا حیّ و یا قیّوم از کاملترین ذکرهاست . زیرا حیّ اشاره به عمده ترین صفات ذات یعنی علم و قدرت دارد و قیّوم مجموعه صفات فعل است .

علی علیه السلام می گوید: در جنگ بدر چند بار به چادر پیامبر آمدم و هر بار دیدم که در سجده است و می فرماید: «یا حیّ و یا قیّوم»! تا اینکه خداوند سبحان پیروزی را نصیب مسلمین کرد.⁽²⁾

2. تفسیر روح البیان 400/1

12- گاهی اشکالاتی در مورد عدل به ذهن بعضی ها خطور می کند . مثلاً اگر خدا عادل است پس چرا بعضی کودکان معلول دنیا می آیند؟ چرا ناگهان زلزله و سیل و حوادث طبیعی دیگر باعث بلا

برای بعضی‌ها اعم از مؤمن و غیر مؤمن می‌شود؟ چرا جوانی در ابتدای بهره‌مندیش از دنیا، ناگهان ناکام از دنیا می‌رود؟ یا چرا عده‌ای فقیر و در محرومیت و عده‌ای غرق ناز و نعمتها هستند؟

برای جواب به این سؤالات باید جهان و هدف از آفرینش جهان را بشناسیم. همچنین علل وقوع این حوادث را درک کنیم.

عده‌ای خیال می‌کنند که مرگ نابودی است لذا می‌گویند چرا فلان جوان ناکام شد؟ یا خیال می‌کنند دنیا جای ماندن ابدی است و می‌گویند چرا سیل و زلزله عده‌ای را نابود کرد؟ یا فکر می‌کنند دنیا جای آسایش است لذا می‌گویند چرا عده‌ای در فقر و محرومیتند؟

عده‌ای نزد پیامبرشان «ذی الکفل» آمدند و از او خواستند تا دعا کند که خداوند سبحان مرگ را از میان آنها بردارد! او هم دعا کرد و خداوند سبحان دعایش را مستجاب کرده و مرگ از میان قوم او برداشته شد. آنها تا مدتی خوشحال و سرمست بودند که دیگر مردنی در کار نیست! و عمرهای طول و دراز دارند. ولی بعد از مدتی کم‌کم مشکلات

عظیمی بسراغ آنها آمد. از جمله چون کسی از دنیا نمی‌رفت، لذا گاهی می‌شد که شخصی باید نان پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و جد دوم و سوم و... خود را بدهد. و از آنان نگه داری کند. لذا خانه‌های آنها برای سکونت این همه افراد کوچک بود، مجبور شدند تا خانه‌ها را بزرگتر کردند و زمینهای کشاورزی بیشتری زیر کشت بردند و... ولی باز هم این مشکلات هر روز بیشتر از دیروز متوجه آنها می‌شد و درآمد آنها کفاف زندگی این همه آدم را نمی‌داد. لذا مجدداً نزد «ذی الکفل» آمدند و از او خواستند دعا کند تا مرگ دوباره برگردد!⁽¹⁾

13- آیا از شیعیان شما هستم؟

مردی به زن خود گفت از حضرت فاطمه (س) پرس که آیا من از شیعیان شما هستم؟ زن آمد و از حضرت سؤال نمود. حضرت فاطمه (س) فرمود به او بگو اگر به دستورات ما عمل کنی از شیعیان ما هستی و الا نه. زن جواب را برای شوهرش نقل کرد. مرد گفت وای بر من! چگونه با این همه گناه من عمل کننده به دستوراتشان بوده باشم؟ زن باز خدمت حضرت رسید و نگرانی شوهرش را به حضرت اظهار نمود. حضرت فاطمه (س) فرمود شیعه ما اگر گناهکار بوده باشد، در عالم قبر از گناه پاک می شود.⁽¹⁾

14- حدیثی از فاطمه (س)

در مورد کسانی که نسبت به نماز خود، سهل انگار هستند، روایتی

از رسول خدا (ص) توسط فاطمه زهراء، نقل شده است که: از جمله آثار این خصلت بد آنستکه سه گرفتاری در قبر، پیدا می کنند! اول آنکه خداوند، ملکی را مأمور عذاب آنها می کند! دوم آنکه قبر بر آنان تنگ و ناراحت کننده می گردد! سوم آنکه قبرشان ظلماتی و تاریک است! (معارف قرآن و اهل بیت (ع))

¹⁵- یک نفر یهودی از امیرمومنان علی علیه السلام پرسید: پیامبر شما گفته است برتر از سایر پیامبران است . حضرت آدم علیه السلام این فضیلت را داشت که همه فرشتگان بر او سجده نمودند . آیا پیامبر شما چنین فضیلتی داشته است؟

علی علیه السلام : سجده فرشتگان برای آدم علیه السلام یکبار بود . ولی خداوند سبحان خود و ملائکه اش تا روز قیامت بر محمد صلی الله علیه و آله صلوات می فرستند . همانطور که خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ».⁽¹⁾

یعنی خداوند سبحان و ملائکه اش بر پیامبر اسلام صلوات می فرستند .

16- نگاه عمیقانه یهودی به پیامبر اسلام

یکروز یک نفر یهودی نزد پیامبر اسلام آمد و نگاه خیره‌ای به حضرت نمود .

حضرت فرمود: کاری داری؟

یهودی گفت: موسی علیه‌السلام برتر است یا تو؟ موسایی که خداوند سبحان با او حرف زد و معجزاتی چون اژدها شدن عصا و تابیدن نور از جینش را به او داد و تورات را بر او نازل کرد و دریا را برای او شکافت !

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: برای انسان خوب نیست که از خودش تعریف کند ولی بر تو واجب است که پیامبر آخرالزمان را بشناسی !

بدانکه وقتی آدم علیه‌السلام از بهشت اخراج شد، صدا زد: خدایا ! تو را بحق محمد و آل محمد مرا پیامرز !

خداوند سبحان هم او را آمرزید .

وقتی که نوح علیه‌السلام سوار کشتی شد، می‌خواست غرق شود، صدا زد: خدایا ! بحق محمد و آل محمد مرا نجات بده ! خداوند سبحان هم او را نجات داد .

وقتی ابراهیم علیه‌السلام در آتش گرفتار شد، صدا زد: خدایا ! بحق محمد و آل محمد مرا نجات بده ! خداوند سبحان هم او را نجات داد .

هنگامی که موسی علیه‌السلام به دریا رسید و پشت سرش فرعونیان بودند، صدا زد: خدایا ! بحق محمد و آل محمد مرا نجات بده ! خداهم او را نجات داد

اگر موسی علیه‌السلام زمان من بود و بمن ایمان نمی‌آورد، ایمانش بخدا سودی برایش نداشت ! . . .

و بدان که از نسل من، مهدی علیه‌السلام ظاهر می‌شود که عیسی علیه‌السلام پشت سر او نماز می‌خواند و او را یاری می‌کند .⁽²⁾

17- شیطان سگِ درگاه خدا؟

مرحوم ایه الله العظمی شاه آبادی استاد حضرت امام دربارهٔ ارتباط شیطان با انسان می فرمود:

شیطان سگِ درگاه خداست. اگر کسی با خدا آشنا باشد، به او عوعو نکند و او را اذیت نکند.

شاگرد ایشان، امام خمینی (ره)، در ادامه می فرماید: «سگِ درِ خانه ، آشنایان صاحب خانه را دنبال نمی کند. شیطان نمی گذارد کسی که آشنایی با صاحب خانه ندارد وارد خانه شود.»

18- شیطان این پنج دسته را نمی تواند گول بزند!

امام صادق (ع) در حدیثی در این باره فرمودند: ابلیس گفت پنج نفر هستند که هیچ چاره‌ای برای آنها ندارم اما دیگر مردمان در مشیت من هستند: "اول، کسی است که بانیست درست به خدا پناه برد و در همه کارهایش به او تکیه کند، دوم کسی که شب و روز بسیار تسبیح خدا گوید، سوم کسی که برای برادر مؤمنش آن پسندد که برای خود می پسندد، چهارم کسی که هرگاه مصیبتی به او می رسد، بی تابی نمی کند و پنجم کسی که به آنچه خداوند قسمتش کرده، خرسند است و غم روزیش را". «نمی خورد» (الخصال، ج 1، ص 285

□ 19- خلاصه دانشها در کلام چوپان

دانشمندی در بیابان به چوپانی رسید و به او گفت: چرا به جای تحصیل علم، چوپانی می کنی؟ □!؟

: چوپان در جواب گفت □ *

. آنچه خلاصه دانشهاست یاد گرفته ام

دانشمند گفت: خلاصه دانشها چیست؟

:چوپان گفت: پنج چیز است

تا راست تمام نشده دروغ نگویم □

تا مال حلال تمام نشده، حرام نخورم □

. تا از عیب و گناه خود پاک نگردم، عیب مردم نگویم □

. تا روزی خدا تمام نشده، به در خانه دیگری نروم □

تا قدم به بهشت نگذاشته ام، از هوای نفس و شیطان، غافل نباشم □

دانشمند گفت : حَقّاً که تمام علوم را دریافته ای، هر کس این پنج خصلت را داشته باشد از آب □
حقیقت علم و حکمت سیراب شده است

-20

مخالفت با نفس

مردی بنام مجاشع نزد پیامبر آمد و پرسید: چه راهی برای خداشناسی است؟

فرمود: خودشناسی. پرسید: چه راهی برای موافقت با خدا است؟ فرمود: مخالفت با نفس. پرسید: چه راهی

برای رضایت خدا است؟ فرمود: عصبانی کردن نفس. پرسید: چه راهی برای وصل به خدا است؟

فرمود: دور کردن نفس. پرسید: چه راهی برای اطاعت خدا است؟ فرمود: معصیت نفس. پرسید: چه راهی

برای یاد خدا است؟ فرمود: فراموش کردن نفس. پرسید: چه راهی برای نزدیکی به خدا است؟

فرمود: دوری از نفس. پرسید: چه راهی برای مانوس شدن با خدا است؟ فرمود: وحشت از نفس.

پرسید: چه راهی برای رسیدن به اینها است؟ فرمود: کمک گرفتن از خدا برای مخالفت با نفس. {بحار

ج 77 ص 27

21- چه چیزی برای مرده از همه دنیا بهتر است !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از کنار قبری که روز گذشته، شخصی را در آن دفن کرده بودند، عبور کرد و مشاهده فرمود که خانواده آن مرده، بر او گریه می کنند . حضرت فرمود: دو رکعت نماز مختصری که شما آنرا کم می پندارید، برای این مرده از همه دنیا بهتر است^۳

22- پیغمبر اکرم (ص) می فرمایند: «الْقَبْرُ إِمَّا رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ أَوْ حُفْرَةٌ مِنْ حُفْرِ النَّارِ»^۴

قبر، باغی از باغ‌های بهشت و یا گودالی از جهنم است

23-

ابوبصیر می گوید: من همسایه ای داشتم که از اطرافیان شاه (خلیفه عباسی) بود. پولی به دستش آمد، چندین غلام خرید و همیشه افرادی را جمع می کرد و بساط باده گساری می گسترد و باعث اذیت من می شد. چند بار به خودش گله کردم، ولی خودداری نکرد و چون سماجت کردم، گفت: فلانی، من مردی هستم گرفتار و تو فرد سالمی هستی. اگر مرا خدمت امامت معرفی کنی امیدوارم که خداوند مرا به وسیله تو از این گرفتاری نجات دهد. ابوبصیر می گوید: این سخن در دل من اثر کرد، وقتی که خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، جریان آن مرد را نقل کردم، فرمود: وقتی که به

. بحار الانوار، ج 6.

کوفه برگشتی او نزد تو خواهد آمد، به او بگو: جعفر بن محمد گفت: اگر تو این کارها را ترک کنی من در پیشگاه خدا برای تو بهشت را ضمانت می کنم

ابوبصیر می گوید: وقتی که به کوفه برگشتم، آن مرد با جمعی نزد من آمدند، او را نگاه داشتم تا منزل خلوت شد. گفتم: فلانی! من ماجرای تو را خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم، فرمود: سلام مرا به او برسان و بگو: کارهایش را ترک کند، من هم نزد خدا بهشت را برای او ضمانت می کنم. آن مرد با شنیدن پیام امام گریست، سپس گفت: شما را به خدا آیا جعفر بن محمد چنین سخنی گفت؟ ابوبصیر می گوید: من قسم خوردم که آنچه به تو گفتم سخن آن حضرت بود. گفت: کافی است و از منزل بیرون رفت، پس از چند روزی به دنبال من فرستاد و مرا طلبید؛ او را پشت در منزلش برهنه یافتم. گفت: ابوبصیر! هیچ چیز در منزل نمانده است. همه را انفاق کردم، من مانده ام با این وضعی که می بینی! پس از آن من نزد بعضی از دوستانم رفتم و مقداری پوشاک برای او جمع کردم، چند روزی نگذشته بود که دنبال من فرستاد (و پیام داد) من مریضم بیا! من نزد او رفت و آمد می کردم و به معالجه اش می پرداختم تا این که اجلش فرا رسید

در حال جان دادن نزد او نشسته بودم تا این که از هوش رفت، بعد که به هوش آمد، گفت: ای ابوبصیر! امام تو به قولش وفا کرد، سپس از دنیا رفت. من به مکه رفتم و خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم، اجازه ورود خواستم، وقتی که وارد شدم، هنوز یک پای من در صحن منزل و پای دیگر در ایوان منزل بود که از داخل خانه فرمود: ابوبصیر! ما به عهدمان برای همسایه ات وفا کردیم.^۵

24- انس بن مالک گوید: موقعی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جنگ تبوک مراجعت می کرد سعد انصاری به استقبال آمد

حضرت با او مصافحه کرد، و دست سعد را زیر و خشن دید، فرمود: چه صدمه و آسیبی به دستت رسیده است عرض کرد: یا رسول الله من با وسایل کشاورزی کار می کنم و درآمدم را خرج معاش خانواده ام می نمایم

^۵. کشف الغمه، ص ۲۳۶

رسول الله صلى الله عليه و آله دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس ندارد.^۶

25- در سفر معراج خداوند متعال به پیامبرش چنین فرمود: ای احمد! آیا می دانی چه زمانی بنده به من مقرب می شود؟ عرض کرد: نه. فرمود: هنگامی که گرسنه یا در حال سجده باشد. ای احمد! من از رفتار سه بنده تعجب می کنم: بنده ای که در نماز می داند به سوی چه کسی دست بلند می کند و در برابر چه کسی ایستاده است؛ ولی در عین حال با بی حوصلگی و سستی نماز می خواند! و بنده ای که قوت یک روز را دارد؛ ولی به فکر غذای فردا است! و بنده ای که نمی داند من از او راضی هستم (یا نه، و در عین حال می خندد!) (بحار الانوار، ج 74، صص 21 - 22)

26- چشم زخم واقعیت دارد

این مطلب قابل انکار نیست که بعضی اجزاء غیر مرئی و لطیف از چشم های بد (و باصطلاح چشم های شور) جدا می شود و در طرف اثر می کند و این خاصیتی است که در بعضی از چشم ها است . مانند خاصیت هایی که در چیزهای دیگر وجود دارد

⁶ «تاریخ بغداد، جلد ۷، صفحه ۳۵۳

قرآن با آیات « وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ » و نزدیک بود کسانی که کفر ورزیدند، چون قرآن را شنیدند، تو را چشم بزنند و می‌گویند: او دیوانه است. در حالی که آن قرآن جز مایه بیداری برای جهانیان نیست، بر این موضوع صحه می‌گذارد.

پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: «انَّ العین حقّ و أنّها تُدخل الجمل والثور التّنور» چشم زخم حق است و به قدری کارساز است که شتر و گاو را داخل تنور می‌کند.

چشم زخم لازم نیست از دشمن باشد. گاهی دوست از دوست خودش به خاطر داشتن کمالی تعجب می‌کند و لذا در حدیث داریم که اگر از دوست خود چیزی دیدید که تعجب کردید، خدا را یاد کنید تا بلای چشم زخم دفع شود و چه بسیارند کسانی که به وسیله چشم زخم هلاک شده و جان داده‌اند.

و درباره تاثیر حسد نیز در کتاب عیون اخبار الرضا(ع) امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش و آن حضرت از جد گرامیش حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده اند که فرمودند ::نزدیک است که حسد (و در روایتی دیگر چشم زخم) از قضا و قدر الهی سبقت گیرد

برای رهایی از چشم زخم چه کنیم؟

امام رضا علیه السلام در حدیثی تعبیر «العين حق» را درباره چشم زخم بکار برده و ضمن تأیید اصل چشم زخم توصیه هایی برای این موضوع دارند.

از امام رضا علیه پرسیدند آیا چشم زخم واقعیت دارد؟

ایشان فرمودند: آری، هرگاه تو را چشم زنند، کف دست را مقابل صورتت قرار ده و سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین (ناس و فلق) را قرائت کن و هر دو کف را به صورتت بکش. خداوند تو را از گزند آن حفظ می کند

در حدیثی معمر بن خلاد می گوید: با امام رضا علیه السلام در یکی از بازارهای خراسان بودم آن حضرت به من امر کرد که بوی خوش را (عطر) برای آن حضرت بخرم. پس هنگامی که آن را گرفتم با تعجب به آن نگاه کرد و به من فرمود: ای معمر به درستی که چشم زخم حق است! پس در برگه ای سوره حمد و قل هو الله احد و معوذتین (ناس و فلق) و آیه الكرسي را بنویس و آن را داخل کوزه یا شیشه ای در بسته قرار ده.

27- علت گرفتاری های ما اعمال خودما هست.

علی علیه السلام در تفسیر آیه :: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» . فرمود: از گناهان اجتناب کنید که تمام بلاها و کمبود روزی، به واسطه گناه است. حتی خراش برداشتن بدن، زمین خوردن و مصیبت های دیگر نیز عاملش خود انسان است

بلاها و مصیبت هایی هستند که نتیجه اعمال بد انسان می باشد. اگر ظلم کند یا حرام مرتکب شود یا شراب بخورد یا لقمه حرام مصرف کند یا بداخلاقی نماید یا عاق والدین شود یا قطع رحم کند یا واجبی را ترک کند باید منتظر مجازات الهی باشد

در این رابطه به چند داستان واقعی اشاره می‌شود

مغازه داری از کم شدن مشتری هایش نزد شیخ عارفی شکوه می‌کرد. شیخ صاحب کرامت به او گفت خودت مقصری. چند روز قبل سیدی که نسیه برده بود را از مغازه ات بیرون کردی و این کار. برایت مشکل ایجاد کرده. او هم سراغ سید رفت از او عذرخواهی کرد

ماموری در زمان طاغوت در قسمت اداری سازمانی مهم پرونده‌های را گم کرده بود و نزدیک بود که بلایی سرش بیاید. شیخ گفت که بیش از یکسال است به خواهرت که شوهرش مرده است سرزندی! او هم مقداری میوه و پول تهیه کرد و به خانه خواهرش رفت و او را خوشحال کرد. روز بعد وقتی به محل پرونده‌ها مراجعه کرد پرونده مذکور را زود پیدا نمود

خانمی بچه خود را بخاطر نجس کردن آنقدر زده بود که نزدیک بود نفس بچه قطع شود! بعد از یکساعت خانم مذکور تب کرد. او را به بیمارستان بردند و پول زیادی خرج کردند ولی مؤثر واقع نشد. دوباره او را دکتر بردند بازهم تاثیری نکرد. شیخ گفت که

استغفار کند و بچه را از خود راضی نماید و چیزی برایش بخرد. مادر این کار را کرد و تب قطع شد

....قصابی بچه گاوی را مقابل مادرش ذبح کرده بود

....رئیس اداره ای خارش در بدن گرفته بود

شخصی در زمان امیرالمومنین علیه السلام دچار عقرب گزیدگی شد. امام فرمود چون در حضور تو از سلمان بدگویی کردند و تو از سلمان دفاع نکردی

شخصی در زمان امیرالمومنین علیه السلام خواست روی سنگی بنشیند که زمین خورد و سرش شکست امام فرمود چون بسم الله نگفتی

اقایی در صحنه دچار مشکل بزرگی شد چون ارث خواهرش را نداده بود

اقایی در نورآباد می گفت پسر من زیر تراکتور رفت و مرد و ماشینم در سفر خراب شدو ...چون خمس
!نمی داد

در روایات علت زلزله را زیاد شدن زنا دانسته است

عارفی نماز صبحش قضا شد عصر همان روز پسرش مرد

حسن بن مسلم زمین مسجد جمکران را قبل از بنای مسجد غصب کرده بود دوتا فرزندش از دنیا
...رفتند

عابدی در مقابلش مرغی را با شکنجه کشتند و او جلوگیری نکرد لذا زمین دهان باز کرد و او را فرو
...برد

اقایی سی سال خدمتکار خود را می فرستاد منزل برای بردن آب و نیازهای منزل.و به این فرد اطمینان
...داشت اما یکروز این خدمتکار وقتی برای بردن آب منزل صاحبش رت زن صاحبخانه را بوسید

..درباره گرفتاری یونس ع در شکم نهنگ هم آمده چون درباره اهل بیت جواب درستی نداد

گناهانی هستند که اگر انسان انجام دهد عاقبت به شر می شود مانند حرام خواری.ظلم به دیگران.عاق
والدین .اهانت به علما .دشمنی با اهل بیت و سادات

شکایت از فقر

محمد بن حسن « می گوید: نامه ای به امام عسکری - علیه السلام - نوشتم و از فقر و تنگدستی « شکوه کردم، ولی بعداً پیش خود گفتم: مگر امام صادق - علیه السلام - نفرموده که: فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است، و کشته شدن با ما بهتر از زنده ماندن با دشمنان ما است

:امام در پاسخ نوشت

هرگاه گناهان دوستان ما زیاد شود، خداوند آنها را به فقر گرفتار می کند و گاهی از بسیاری از گناهان آنان در می گذرد. همچنان که پیش خود گفته ای، فقر با ما بهتر از توانگری با دیگران است. ما برای کسانی که به ما پناهنده شوند، پناهگاهیم، و برای کسانی که از ما هدایت بجویند، نوریم. ما نگهدار کسانی هستیم که (برای نجات از گمراهی) به ما متوسل می شوند. هر کس ما را دوست بدارد، در رتبه بلند (تقرّب به خدا) با ماست، و کسی که پیرو راه ما نباشد، به سوی آتش خواهد رفت

28- حضرت محمد (ص) فرمودند: نشانه انسان صبور در سه چیز است: ۱- اینکه کسل نمیشود ۲- دل تنگ نمیشود ۳- از پروردگارش شکایت نمیکند، چرا که وقتی کسل شود، حق را ضایع و تباه خواهد کرد، و هنگامی که دلتنگ شد، سپاسگذاری نمیکند و وقتی که از پروردگارش شکایت کند، گناه خواهد کرد. بحارالانوار جلد ۷۱ صفحه ۸۶

29- کشتن هوی و نفس؛

سالک الی الله باید هوای نفس را در خود از بیرد والا ره بجایی نخواهد برد. باید از لذات دنیوی گذر کند.... غذای لذیذ را فراموش کند. خواب زیاد را ترک کند. استراحت و خوشگذرانی را رها نماید

آیه الله حائری صبحانه نان و چای می خورد و ناهار نمی خورد و شام دوتا تخم مرغ آب پز میل می کرد درحالی که ریاست حوزه علمیه بعهدہ داشت

ایه الله بروجردی گاه دستور می داد گوسفندی تهیه و بپزند و بین فقرا تقسیم کنند و خود نان و دوغ .
!میخورد

ایه الله شیخ غلامرضا یزدی میل به باقلوا پیدا کرد. روزی شخصی یک جعبه باقلوا برای شیخ هدیه برد. و شیخ به شکمش وعده داد دلی از عزای باقلوا در می آورد! اما چند دقیقه ای بعد پیرزنی آمد و درخواست کمک کرد. شیخ جعبه باقلوا را به پیرزن داد و به شکم خود خطاب کرد! داغ باقلوا را به دلت نشاندم

30-امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

با خواندن سوره یاسین پس از نماز صبح ، سوره فتح پس از نماز ظهر، سوره نبأ پس از نماز عصر، سوره ملک پس از نماز مغرب و سوره واقعه پس از نماز عشاء هرگز پریشان نمی شوید

31-برای گشایش در کارها و رفع گرفتاری و غم، خواندن این ذکر و مواظبت بر آن، که امام جواد علیه السلام آن را تعلیم فرمود، نافع است

يَا مَنْ يَكْفِي مَنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ، اَكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي. (بحارالانوار، جلد 92، صفحه

(208، حدیث 39)

ای کسی که از هر چیز بی نیازی و چیزی از تو بی نیاز نیست، آنچه فکر مرا به خود مشغول داشته
برآور

32- چهار چیز از گنج های بهشت است!

مخفی کردن مصیبت (در حالی که اکثرا مصایب خود را اعلام می کنند). مخفی کردن نیاز (افراد
آبرومند هیچگاه نیاز مالی خود را به دوستان و فامیل و همکاران نمی گویند و بقول معروف صورتی
خود را با سیلی سرخ نگه می دارند). مخفی کردن مشکلات (هر خانواده ای مشکلاتی دارد نباید انسان
مشکلات خود را به دیگران بگوید مثلاً اخراج شده یا فرزندش معتاد شده یا دخترش طلاق گرفته یا
...). مخفی کردن دادن صدقه (روش بزرگان دین ما این بوده مخفیانه به نیاز مندان کمک کنند که هم
ریا نشود هم آبروی طرف محفوظ بماند مثلاً نصف شب در خانه فقرا می رفتند و چهره خود را می
پوشاندند...)

33- پیامبر خدا در اواخر عمر مبارکش از مردم حلالیت خواستند:: به نقل از صفحه 324 جلد سوم

: ترجمه فارسی تاریخنامه طبری منسوب به بلعمی و تصحیح محمد روشن

در حالی که رسول خاتم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم از شدت درد، دستمالی بر سر
خود بسته بود به مسجد آمد و چون نتوانست بر پله های منبر که 3 تا بیش نبود، بالا رود و توان ایستادن
نیز نداشت نشسته با مردم سخن گفت و پس از درود بر پیامبران و خود و دعا برای شهداء فرمود خدا
بنده اش را مخیر کرد بین انتخاب دنیا و آخرت و بنده، آخرت را انتخاب کرد و خدا وعده کرد او را

نزد خود ببرد. یکی از صحابه فهمید که پیامبر خودش را می گوید لذا گریست و مردم نیز گریستند
:آنگاه رو کرد به مردم و فرمود

ای مردم مرگ حق است و هیچ کس را از آن گریزی نیست و پس از مرگ، روز عدل و داد است و
قصاص اعمال، پس اگر کسی حقی بر من دارد در دنیا بستاند و به عقبی نکشاند تا وقتی بر خدا وارد
می شوم حقی بر گردنم نباشد که هیچ کس را تاب تحمل عذاب آخرت نیست

مسجدالنبی به فروش آمد همگان گریستند و عرض کردند یا رسول الله ما حقی بر شما نداریم ، شما
. بر همه ما حق دارید و اگر داشتیم نیز از آن گذشتیم

عکاشه بن محصن فزاری برخاست و گفت: ای رسول خدا فلان شب در فلان مکان و در فلان جنگ
شتر من و شتر شما کنار هم می رفتند شما با عصائی که در دست داشتید خواستید بر شتر خود بزنید
. که بر من خورد و من امروز خواهان قصاصم

ولوله ای در مسجد براه افتاد برخی گفتند ای عکاشه این قصاص را به صد شتر بفروش و از پیامبر
قصاص مکن و هر کس سخنی گفت ولی اثری نکرد و عکاشه همچنان خواهان قصاص بود. پیامبر
.فرمود: چیزی مگوئید که حق اوست و حق خود خواهد

پیامبر (ص) بلال را فرمود که عصای مرا از خانه ام بیاور ولی مراقب باش دخترم فاطمه نداند که بردن
عصا برای چیست که طاقت شنیدن قصاص از پدرش را ندارد، عصا را آوردند علی(ع) جلو رفت و
گفت ای عکاشه پیامبر مریض است و تحمل این ضربت را ندارد بجای یک بار قصاص از پیامبر صد
.بار بر من قصاص کن و دست از پیامبر بردار ولی افاهه نکرد

عکاشه جلو رفت پیامبر عصا را به او داد و فرمود بزن ولی سخت مزن که من ضعیفم و توان زخم
ندارم. عکاشه گفت: ای رسول خدا وقتی عصای شما بر من خورد لباس بر تن نداشتم ولی شما عبا و

پیراهن به تن دارید! پیامبر عبا و پیراهن کنار زد و فرمود حالا بزن. مسجد را غوغائی فرا گرفته بود و همگان می‌خواستند بدانند چه خواهد شد؟ آیا پیامبر می‌خواهد در آخر عمرش از امتش پاداش بگیرد؟! که ناگاه دیدند عکاشه عصا را انداخت و خودش را به بدن پیامبر چسبانید و بر بدنش بوسه زد. و نگاهی را زمانی به پیامبر دوخت

مردم گریستند، پیامبر فرمود چرا چنین کردی؟ عکاشه گفت ترسیدم آخرین روزی باشد که ترا می‌بینم، خواستم به تو نگاه کنم و خود را بر اندام تو بمالم تا فردای قیامت بدنم در آتش نسوزد و جسد من بر آتش حرام شود. پیامبر(ص) سه بار فرمودند حرام شد، حرام شد، حرام شد. و بدینگونه این مرد با دعا و شفاعت رسول خدا خود را بهشتی ساخت

وقتی گرگ حمله می‌کند، با صدای بلند حمله می‌کند و فرصتی برای واکنش دارید [?] 34-

اما وقتی موریانه هجوم می‌آورد، از همان ابتدا مخفیانه و بی سرو صدا از ریشه به جان دارایی تان [?] می‌افتد

ایستادن در برابر گرگ، شجاعت می‌خواهد [?] [?]

!دفع خطر موریانه بصیرت [?]

بصیرت سواد نیست بینش است [?]

بصیرت، یعنی اینکه نگاهت به شخصیت‌ها نباشد، بلکه همواره به شاخص‌ها باشد [?]

بصیرت، یعنی اینکه بدانی حتی مسجد می تواند مسجد ضرار باشد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) آن [?] را خراب کند.

بصیرت، یعنی اینکه بدانی جانباز صفین می تواند قاتل امام حسین (علیه السلام) در کربلا باشد! [?]
ملاک حال فعلی افراد است

بصیرت، یعنی اینکه بدانی در جنگ با فتنه نمی توانی آغازگر باشی اما وقتی شروع کردید باید آن [?] را از ریشه در بیارید.

بصیرت، یعنی اینکه مالک اشترها را به تندروی و ابوموسی اشعری ها را به اعتدال شناسی [?]

بصیرت، یعنی اینکه بدانی معاویه ها، به سست عنصرهای سپاه امام علی علیه السلام دل بسته اند [?]

بصیرت، یعنی اینکه بدانی: تاریخ تکرار می شود، نه با جزئیاتش، بلکه با خطوط و شاخص هایش [?]

35- از امام صادق (ع) روایت شده: هرگاه پیامبر خدا (ص) کسل می شد یا چشم زخمی به او می رسید یا سردرد و مریضی دیگر می گرفت، دو دستش را باز می کرد و حمد و معوذتین را می خواند (ودستش را بصورتش می کشید و شفا می یافت). (بحار ج 92 ص 234)

36- متأسفانه بعضی ها وقتی ازدواج می کنند با والدین خود قطع رابطه می نمایند. در این رابطه -
خاطره ای است که: اقایی می گفت برادری دارم تهران زندگی می کند. همینکه ازدواج کرد ارتباطش را با پدر و مادر و ما قطع کرد. مادرم در حال مردن بود و می گفت میشود حسین بیاید و یکبار دیگر او را ببینم؟ و با این حسرت از دنیا رفت و برادرم برای تشیع جنازه مادر هم نیامد! این فرزند

ناخلف! در قیامت به جهنم برده میشود حتی اگر تمام عمر عبادت کرده باشد. چون عاق والدین امرزیده نمیشود.

و بیشتر تحت تاثیر همسر که می خواهد شوهر را در اختیار کامل خود بگیرد، مرد با خانواده خود قطع رابطه می نماید در حالی که قران کریم شوهر را سرپرست خانواده می داند و او باید خانواده را هدایت کند اما در این موارد، شوهر جای خود را به زن می دهد و زن همه کاره خانواده میشود. مشکل اینجاست!

37- یکی از راههای رسیدن به حاجت و مراد خود، نذر کردن است. که نذر اثر مهمی در روا شدن حاجت دارد. قران کریم در سوره هل اتی به نذر اهل بیت علیهم السلام اشاره می کند.

بیست و پنجم ذی الحجه یادآور روزی است که حضرت علی (ع) و فاطمه زهرا (س) برای بهبود بیماری حسنین سه روز، روزه گرفتند و از قضا هر سه افطاری آن را به نیازمندان بخشیدند در این روز. سوره "هل اُتی" در شأن اهل بیت عصمت و طهارت نازل شد.

اجرای این روز بسیار مهم که سراسر آن، درس و پیام برای مسلمین است از این قرار بود که امام حسن مجتبی و امام حسین (علیهم السلام) در ایام کودکی بیمار شدند و پیامبر اکرم (ص) به همراه برخی از صحابه از آنان عیادت نمودند. آن گاه پیامبر (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند: اگر برای بهبودی آنان نذری نمایی، امید است خداوند سبحان زودتر شفا عنایت کند.

حضرت علی (ع) گفتند: ای رسول خدا! برای شفای آن دو نذر می کنم که سه روز، روزه شکر به جای آورم. حضرت فاطمه زهرا (س) و خدمتکارشان فضه نیز به مانند ایشان نذر کردند. چند روزی نگذشت که دو ریحانه رسول خدا (ص) شفا یافتند و حضرت علی (ع) و همسرشان فاطمه زهرا (س) قصد کردند که به نذرشان وفا کرده و سه روز روزه شکر بگیرند.

در آن زمان وضع مادی اکثر مسلمانان، به ویژه خانواده حضرت علی (ع) بسیار پایین بود و به سختی می‌گذشت. بدین لحاظ آن حضرت ناچار شد، از شمعون بن حاریای یهودی، مقداری جو قرض کند و آن را پس از آسیاب کردن، برای پخت نان استفاده کند و یا به روایتی دیگر، برای شمعون یهودی، مقداری پشم رسید و اجرت آن را، سه من جو دریافت کرد.

فاطمه زهرا(س) آن جو را آسیاب و به سه بخش تقسیم کردند و هر بخشی را برای افطاری یک روز جدا کردند و سپس آن‌ها را در سه روز متوالی نان پختند.

بخش سه افطاری به نیازمندان در سخت‌ترین شرایط

آن بزرگواران از روز بیست و پنجم ذی حجه شروع به روزه گرفتن و ادا نمودن نذر خویش کردند. حضرت علی (ع) در روز اول، نماز مغرب را با پیامبر (ص) به جا آورد و سپس برای صرف افطار به خانه رفت.

ولی همین که در سر سفره نشست، مستمند و بیچاره‌ای از راه رسید و از آنان غذا طلبید. حضرت علی (ع) فرمودند که سهمیه وی را به آن فقیر دهند. فاطمه زهرا(س)، فضه و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز به پیروی آن حضرت سهمیه اندک خود را به فقیر داده و خودشان با آب افطار نمودند و روز بعد را با همین وضع روزه گرفتند.

فاطمه زهرا (س) در روز دوم، بخش دیگر آرد را نان پختند و منتظر افطار ماندند که او و همسر و فرزندان با آن نان افطار کنند. ولی در این شب نیز یتیمی از راه رسید و درخواست غذا نمود. جملگی سهمیه خود را به یتیم داده و خود با آب افطار کردند و روز سوم را با همان وضع روزه گرفتند.

در روز سوم نیز فاطمه زهرا (س) باقی مانده آرد را نان پخت و در سر سفره گذاشت، تا هنگام افطار، همگی از آن تناول کنند، اما در این شب نیز محتاج دیگری فرارسید. وی اسیر بی بضاعت و گرسنه‌ای بود که از فرط گرسنگی و دربدری، به خانه امام علی (ع) پناه آورد. در این شب نیز اهل خانه، غذای خود را به اسیر بخشیدند و تنها با آب افطار کردند.

(نزل آیات شریفه سوره "هل اتی" در شان اهل بیت(ع))

روز چهارم، حضرت علی (ع) دست فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام را گرفتند و نزد رسول خدا (ص) رفتند، در حالی که فرزندانش از شدت گرسنگی می لرزیدند. پیامبر (ص) از وضعیت آنان پرسید و حضرت علی (ع) ماجرا را برای آن حضرت تعریف کردند.

پیامبر (ص) آن دو را در آغوش گرفت و به نزد دختر خود، فاطمه (س) آمد و دید وی در محراب عبادتش نشسته و به عبادت مشغول است، ولی چهره مبارکش از گرسنگی زرد و چشمانش گود شده است و کلاً بی حال است. پیامبر (ص) از دیدن آنان بسیار متأثر و غمگین شد و دست بندگی به سوی پروردگارش بلند کرد و گفت: "و اغوثاه، یا الله اهل بیت محمد یموتون جوعاً" یعنی: ای داد، ای خدا! اهل بیت محمد از گرسنگی می میرند.

رضایت الهی مزد فداکاری علی(ع) و اهل بیتش

در همین هنگام جبرئیل امین فرود آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (ص) آن چه خداوند متعال! درباره اهل بیت تو عنایت کرده است، بنگر. فرمود: چه چیزی را بنگرم

جبرئیل امین این سوره را که در شأن فداکاری حضرت (ع) و همسرش فاطمه زهرا (س) و فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام نازل شد، بر آن حضرت قرائت کرد: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ... إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتْرِيدُ مِنْكُمْ جِزَاءً وَ لَا شُكُوراً...»¹

بنا به روایتی در آن روز برای اهل بیت فداکار پیامبر (ص) غذایی از آسمان فرود آمد و آن را تا هفت (روز) تناول کردند.²

بدین گونه، خداوند سبحان از ایثار و خود گذشتگی حضرت علی (ع) و خانواده بی نظیرش تقدیر کرد. و قلب پیامبر (ص) را تسلی بخشید.

پی نوشت و منابع

سوره انسان، که به سوره "دهر" نیز مشهور است.¹

مسار الشیعه شیخ مفید، ص 23؛ الاقبال بالاعمال الحسنه سید بن طاووس، ج 2، ص 374.

38-فرستادن صلوات اثار مهمی در سعادت دوجهان دارد.و اولیاء خدا معمولاً برای روآشدن حاجات

14هزار صلوات یا کمتر و یا بیشتر نذر می نمایند.

داستانی درباره اثار صلوات است که:

بوی عطر

:مرحوم آخوند ملاعلی همدانی رحمه الله علیه، حکایت نموده اند که [؟]

روزی پیرمردی جهت حساب خمس و زکات نزد من آمد، متوجه شدم که از آن پیرمرد بوی عطر

عجیبی به مشامم

می رسد که تا به حال نظیر آن را استشمام نکرده ام

پرسیدم از چه عطری استفاده می کنی؟

گفت: این بوی خوش، قصه ای دارد که تا کنون آن را برای احدی نقل نکرده ام. قصه این است شبی

در عالم خواب پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را زیارت نمودم، در حالی که آن حضرت

.نشسته بودند و حدود ده یا بیست نفر اطراف ایشان حضور داشتند و من هم در آن مجلس بودم

:حضرت فرمودند

کدام یک از شما بر من زیاد صلوات

می فرستید؟ می خواستم بگویم که من زیاد صلوات می فرستم، اما ساکت شدم

:بار دوم پرسیدند

:باز هم کسی پاسخ نگفت

:برای بار سوم حضرت فرمودند

کدام یک از شما بر من زیاد صلوات می فرستد؟ می خواستم بگویم من، که با خود فکر کردم شاید

:دیگران بیشتر از من صلوات می فرستند

:پس آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بلند شدند و خطاب به من فرمودند [۲]

:شما بر من زیاد صلوات می فرستی و مرا بوسید. از آن پس این بوی عطر از من استشمام می گردد

39- قال الامام علی - علیه السلام - : اذا اراد الله سبحانه صلاح عبدٍ ألهمه قلة الكلام و قلة الطعام و قلة

المنام

«غررالحکم، ح 4117»

امام علی - علیه السلام - فرمود: هرگاه خداوند سبحان صلاح بنده‌ای را بخواهد، کم‌گویی و کم‌خوری و کم‌خوابی را در دل او افکند.

-40

به مردم نفع برسانید تا بهترین باشید

-در بیانات بزرگان دین آمده که مردم عیال خدا هستند و هر که به عیال خدا نفعی برساند او از همه بهتر است..

این هم از مهربانی خداوند بی نیاز است که دوست دارد همه بندگانش شاد باشند. مشکل نداشته باشند. و اگر بنده‌ای دچار مشکل شد دیگران به او کمک کنند و او را یاری نمایند تا او هم حاجتش برطرف شده و شاد گردد..

-رسول خدا فرمود که بهترین شما کسی است که به مردم نفع برساند.

لذا خود پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام بخشی از عمر خود را به برطرف کردن مشکلات مردم اختصاص داده بودند.

و پیروان این معصومین هم یاد گرفته و کارهای خیر می‌کنند.

41- از مهم ترین توصیه های پیامبر خدا این بوده که طلب علم بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است. لذا ما تا هر اندازه می‌توانیم به علم آموزی مشغول باشیم تا علاوه بر آگاهی از وظایفمان، از آسیبها هم در امان بمانیم

چون ریشه هر آسیب و شری به جهل و ناآگاهی بر می‌گردد

مثلا در مسائل دینی باید اطلاعات کافی داشته باشیم والا اعمال ما دچار مشکل می شود . در اینجا به چند نمونه اشاره میشود

خانمی چهل ساله می گفت تابحال هر وقت غسل کردم اول سمت راست بعد سمت چپ بعد سر و !!گردن و رو شستم

یاخانمی زنگ زده میگه شوهرم سفر رفته میتونم صیغه بشم؟

بندۀ خدایی می گفت یه مشتری داشتم 40سال غسل جنابت نکرده بود میگفت ندونستم

!خانمی در عده بوده بعد با اقایی صیغه خوانده که منجر به حرام ابدی میشود

خانمی دختر کوچک شیرخوارش از مادر بزرگش بیش از پانزده بار پشت سرهم شیر خورده که منجر به جدایی زن و شوهر از هم میشود چون زن میشه خواهر بچه شوهرش

!خانمی تحت پوشش کمیته امداد می گفت من از مسئول امور مالی کمیته امداد تقلید می کنم

!اقایی می گفت من از خدا تقلید می کنم

خانمی می گفت چرا هر وقت نماز جمعه اقتدا می کنم به رکعت اول نمی رسم؟ گفتم چرا؟ گفت تا اذان و اقامه میگم می بینم امام جمعه رفته سجده

!افرادی هستند که هفتاد سالشان است اما هنوز حمد و سوره را اشتباه می خوانند

شبی بین دو نماز مساله شرعی می گفتم که نماز شب اذان و اقامه نداره و اگر کسی بگه به عنوان بدعت حرام انجام داده!پیرمردی بالای هشتاد سال گفت حاج اقا من تابحال هر موقع نماز شب خواندم اذان و اقامه گفتم

مثل اهالی شهری که تا مدتها پیش خیال می کردند ذوالجناح، امامزاده است!... حاج اقای می گفت روزی والدین دختر و پسر امدند و گفتند عقد این دختر و پسر را بخوانید ما هم خواندیم. بعد والدین ظاهرا دختر گفتند عقد بین ما دونفر را بخوانید! گفتم مگر شما زن و شوهر نیستید؟ گفتند ما که باهم ازدواج کردیم دسترسی به روحانی نداشتیم گفتیم باهم عروسی می کنیم هروقت دسترسی پیدا کردیم میگیریم عقدمان را بخواند

ما باید چندبار رساله رو بخوانیم تا دچار اشتباه در تکالیف دینی مان نشویم.

42- پیامبر خدا(ص) فرمود: مومن از دو چیز بدش می آید و لی هر دو آن به نفع اوست! یکی از مرگ بدش می آید درحالی که با مردن از سختی های دنیا نجات می یابد. دوم از بی پولی بدش می آید درحالی که حساب و کتابش اسان تر خواهد بود!

43- هر که با زنی بخاطر زیبایی اش ازدواج کند، دلخواه خود را در او نبیند و هر که

با زنی به خاطر مال و ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به همان مال و ثروت

واگذارد، پس بر شما باد به ازدواج با زنان متدین^۷

پیامبر اعظم «ص» منتخب میزان الحکمه، حدیث 2786⁷

44- حدیث خیلی مهم درباره چرائی افرادی که مدتی مومن هستند بعد ناگهان بی دینی آنها اشکار میشود!

در کافی، باب ایمان عاریتی ها، از عیسی شلقان روایت شده که گفت: (روزی نشسته بودم و حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام (که در آن زمان کودکی بود بر من) گذر کرد و بره ای با او بود. گوید: من عرض کردم: ای پسر! می بینی پدر شما چه می کند؟ ما را به چیزی فرمان دهد، سپس از همان چیز نهی کند؛ به ما دستور داد که ابوالخطاب را دوست بداریم، سپس دستور داد که او را لعن کنیم و از او بیزاری جویم. پس آن حضرت در حالیکه پسر بچه ای بود، فرمود: همانا خداوند خلقی را برای ایمان آفرید که (آن ایمان) زوال ندارد، و خلقی را آفرید برای کفر که زوال ندارد، و در این میان هم خلقی را آفرید و ایمان را به عاریت به آنان داد و اینان را معارین نامند، که هرگاه (خداوند) بخواهد ایمان را از ایشان برگیرد؛ و ابوالخطاب از کسانی است که ایمان را به عاریت بدو داده بودند.

عیسی شلقان گوید: پس از آن به خدمت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم و آن چه را (به) فرزندش) گفته بودم و پاسخی که شنیده بودم، به عرض امام رساندم. امام صادق علیه السلام فرمود: (این کلام از جوشش نبوت است (از سرچشمه نبوت جوشیده است

جویم. امام کاظم علیه السلام در حالی که پسر بچه ای بود، فرمود: همانا خداوند انسان هایی آفرید که ایمان آنها همیشگی است و انسان هایی آفرید که کفر آنها دایمی است و انسانهایی آفرید که که ایمان را به آنان عاریت داد و آنان عاریت داده شدگان نامیده شوند. هرگاه خواهد از ایشان بگیرد و ابو الخطاب از کسانی است که ایمانش عاریتی باشد. گوید: پس از آن خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم و آنچه به ابو الحسن امام کاظم علیه السلام گفته بودم و پاسخی که برایم داده بود، خبر دادم، حضرت فرمود: این کلام از جوشش نبوت باشد. (اصول کافی، ج 2، باب المعارین، ص 306 -

(بحار الانوار، ج 47، ص 336)

45- شخصی از علی (ع) پرسید: وقتی چیزی یا کسی گم می‌شود چه کار باید کرد؟ آن حضرت فرمود: دو رکعت نماز بخوان و در هر دو رکعت بعد از حمد سوره «یس» بخوان و بعد از آن بگو: «یا هادی الضالِّه رُدَّ عَلَی ضالَّتِی»؛ ای هدایت کننده گمشدگان، گمشده‌ام را به من برگردان. آن شخص می‌گوید: من این کار را کردم و بعد از مدتی خداوند گمشده‌ام را به من برگرداند (اصول کافی، ج 2، ص 625)

46- ذکری که حضرت صاحب الامر (عج) توصیه فرمود همشهری آنلین: آیت الله مظاهری در درس اخلاق خود گفت: بر اساس روایات فراوان و نیز طبق تصریح زیارت جامعه که بهترین و صحیح ترین زیارات است، واسطه فیض عالم، امام زمان (عج) هستند. گرچه همه چهارده معصوم (ع) واسطه فیض اند، اما در زمان ما، واسطه فیض عالم، امام زمان (عج) هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر آیت الله مظاهری در تبیین امامت امام زمان (عج) به نقل داستانی پرداخته است که در پی می آید:

یکی از علمای بزرگ، در زمان قدیم در تخت فولاد خدمت امام زمان «ارواحنا فداه» رسیده بود و از آن حضرت درخواست «علم اکسیر» کرده بود.

در حالی که یاد گرفتن علوم غریبه حرام است و گفت و شنود و تعلیم و تعلّمش نیز حرام است. آن حضرت به او فرموده بودند: علوم غریبه به تو چه ربطی دارد؟ من به جای آن ختمی به تو یاد می‌دهم که بهتر از اکسیر است. بعد فرموده بودند: به پنج تن و امام زمان «ارواح‌نفاذ» توسّل پیدا کن و در «توسّل‌هایت بگو: «یا محمّد یا علی یا فاطمه یا حسن یا حسین، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی».

آن عالم نقل می‌کند: وقتی حضرت فرمودند: «ادرکنی»، به ذهنم خطور کرد که باید بفرمایند: «ادرکونی»، یعنی برای درخواست کمک از پنج نور مقدّس، باید فعل جمع به کار ببریم، پس چرا ایشان فعل مفرد به کار برده و می‌فرمایند: «ادرکنی و لا تهلکنی»؟! وقتی چنین تصوّری کردم، امام زمان «ارواح‌نفاذ» تبسّم کردند و فرمودند: همین است که گفتم. برای اینکه واسطه فیض این عالم، فعلاً من هستم.

یعنی اگر در زمان حاضر توسّلی به پیغمبر اکرم «ص» یا سایر حضرات معصومین «ع» بشود، فیض الهی به واسطه وجود مقدّس امام زمان «ارواح‌نفاذ» به بندگان می‌رسد: «بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِکُمْ یَخْتِمُ وَبِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَبِکُمْ یُمَسِّکُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِکُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَ یُکْشِفُ الضُّرَّ

از همه به خصوص جوانان تقاضا دارم که با این ختم، به امام زمان متوسّل شوید و این ختم را زیاد بخوانید. همه افراد، حتی کسانی که سواد و تحصیلات کافی ندارند هم می‌توانند این ختم را بخوانند و به پنج تن آل عبا و امام زمان متوسّل شوند: «یا محمّد، یا علی، یا فاطمه، یا حسن، یا حسین، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی». این ختم، علاوه بر آنکه آسان است، برای رفع هر حاجتی خوب، مؤثر و معجرب می‌باشد.

47- روی درب دوم بهشت نوشته شده است: چاره خوشحالی روز قیامت چهار خصلت است. کشیدن دست مهربانی بر یتیمان. مهربانی بر بیوه زنان. تلاش در رفع گرفتاری مؤمنان. دست گیری از بیچارگان

48- بر درب سوم بهشت نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول الله وعلى ولي الله. ان لكل شيء حيلة وحيلة الصحة في الدنيا اربع خصال. قلّة الكلام وقلة المنام وقلة المشي وقلة الطعام. هر که در دنیا سلامتی می خواهد چهار مطلب رعایت کند. کم حرفی. کم خوابی. کم راه رفتن. کم خوری (از عالم بعد از (مرگ چه خبر؟

49- امام صادق (ع) فرمود: مؤمن از یکی از سه چیز خلاصی ندارد و گاهی هر سه در او جمع می شود، یا بعضی از افراد خانه در راه به رویش می بندند و بدین وسیله او را اذیت می کنند، یا همسایه او را اذیت می کند، یا کسی در راه بر آوردن نیازمندیهایش به او آزار می رساند، و اگر مؤمن بر قلّه کوهی باشد خدای عزّ و جلّ شیطان را می فرستد تا او را اذیت کند و در عین حال او را با ایمانش مأنوس می کند که از هیچ کس وحشت نداشته باشد